

راستگو

ساسان محمودي

آن یکی پرسید اشتر را که هی گفت از حمام گرم کوی تو
از کجا میآیی ای فرخنده پی گفت خود پیداست از زانوی تو [1]

اندر انتشار يك روايت درون سازمانی "با ارزش" [2] از مرکز اسناد انقلاب اسلامی و در بوقی کردن آن توسط اطلاعات ابله

مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، مرکز نگهداری اوراق بازرگانی که محصول زحمات برادران شکنجه‌گر در دو رژیم شاه و شیخ است اخیراً دسته گل دیگری به آب داده و در يك صفحه به پروپاگاندا کتابی گردآمده از اعتراضات زیر شکنجه و یا قلم بمزدي خود فروختگان رو آورده آنچنان که آنرا به مجموعه‌ای "در نوع خود بی نظیر" و "حاوی اطلاعات مهم سازمانی" تبدیل کرده است . از همین دو شبه جمله ناقابل به همه آنچه مرکز بایگانی فوق بر آن معترف است میتوان پی برد نوعش همان پیش‌گفته‌بازجویی است و محتوایش نیز اطلاعات بدست آمده ، و در مجموع موجزی از رکلام منتشره .

در احوالات نویسنده

راستگوي مرکز اسناد "تحصیلات دبیرستانی خود را در شهر بابل در رشته ادبیات آلمانی به اتمام میرساند" ناگفته پیداست که شهرستان بابل آن ایام بآنچنان پیشرفتی دست یافته بود که تحصیلات دبیرستانی دارای رشته ادبیات زبان آلمانی بود . جلّ الخالق از بابل و اینهمه پیشرفت آنهم در سینه جرت منه . بهر حال راستگویی خنق که نمیآورد . با پایان ادبیات زبان آلمانی وی فی الفور " وارد دانشگاه تهران شد" در این تردید نیست که کلیه اصحاب سرکوب و چپاول می‌بایدو لزوماً سر از دانشگاه تهران بخصوص در روزهای جمعه در آورند و با ناله و افغان فریاد مرگ بر ... سردهند تا بلکه نال و نوایی نواله شان شود . او "پس از دوسال به آلمان رفت" " و از سال 1358 به انجمن های دانشجویان مسلمان هوادار سازمان مجاهدین خلق در آلمان پیوست" - مبارک باشد ! چون انجمن های هوادار مجاهدین از سال 1360 به بعد تأسیس گردید . اشکالی ندارد ، راستگو کم حافظه نمیشود . در همان حال در سومین دانشگاه خود (اولی در رشته ادبیات آلمانی در دبیرستان بابل ، دومی در رشته نماز جمعه در دانشگاه تهران و بالاخره سومی در دانشگاه اسن در آلمان در رشته ساختمان) مشغول میشود درحالیکه "در بخش روابط خارجی شاخه بوخوم فعالیت خود را آغاز کرد" یعنی دو دست مبارکش در اسن و دو پایش در بوخوم ... [1] در اینکه فعالیت های مشعشع خود را در بوخوم در هر سالی آغاز کرده باشد ، بر منکرش لعنت چراکه از آخوند حرامزاده هرذالتي بگویی برمیآید ولي اینکه هواداران سازمان مجاهدین در سال 1358 در بخش روابط خارجی آنهم در شهرستان بوخوم شاخه آورده باشند باید کمی شاخ درآورد . ضمن اینکه "در سال 60 آقای راستگو موظف شد تا اقدامات حقوقی برای پناهندگان هوادار سازمان را بعهده گیرد". این را دیگر باید قطعی و صددرصد مطابق واقع دانست فقط با کمی هرمنوتیک کلامی باید آلمان را به اوین تأویل کرد که در سال 60 هواداران سازمان را کمک های حقوقی جهت آمادگی برای دادگاه های چند دقیقه ای میکرد تا از شرّ مارهایی همچو او به اژدهوان جوخه اعدام پناهنده شوند. [2] شاهد صحت عرایض نیز مرکز اسناد انقلاب اسلامی است و آرشیو آن ... هرچه باشد "این کتاب درنوع خود بی نظیر و حاوی اطلاعات مهمی است" از جمله اینکه راستگو ، بهمراه چند نفر از اعضای مجاهدین خلق سازمانی تحت عنوان سازمان فارغ التحصیلان دموکراتیک ایران در آلمان غربی را تأسیس کرد" ! "تحت پوشش شورایملي مقاومت" دو لپی شکر زیادی خوردن این اشکال را هم دارد که ممکن است در گلوئی وزارتتی ناشی گیر کند . رتبه ها و قبه های مرکز اسناد انقلاب اسلامی - مورد تأییدات وزرات ابله - همچنان بالا میرود تا جائیکه در سال 1364 مجبور به "تأسیس دیپلماسی" در سازمان مجاهدین می‌شود تا راستگو به آن منتقل شود از عجایب این سازمان دهی شگفت اهداف آنست : "هدف این سازمان تماس با مقامات کشورهای آلمان ، اتریش ، سوئیس و لوگزامبورگ بود" اما هنوز راستگو کردن راستگو ! يك چیز

کم دارد ، درجات نظامی ، افتخارات شرکت در صفوف ارتش آزادیبخش که آنهم با يك نوك قلم برآورده میشود ضمن اینکه اینجا پایان داستان است و موعد الصاق ننگ بریده مزدوری ، تاراستگو رجسی در خور حلقوم آخوند شود .

در نگاهی کوتاه این نوشته بیشتر ناشی از يك سگ دعوای آخوندی بنظر میرسد . والا هیچ احمقی حاضر بدرج چنین سند رسوایی نیست آنهم مکرر در مکرر ، یکبار مرکز انقلاب اسلامی آنرا نشخوار میکند و بار دیگر وزارت بلاهت بله آنرا بازخوار ، تبلیغ و پروپاگاندش که چنین است باید در یافت اصل مطلب را !

فهرست رئوس؟!

مطلب شروع نشده ، ”فهرست رئوس“ پیش کشیده میشود که خود گویای همه چیز است . بخش اول کتاب ، ”مبارزه مسلحانه ؛ هم استراتژی هم تاکتیک“ نام دارد . معلوم نیست راستگو اینقدر پرت و گول است یا اربابان کانا و کندزهنش ، چرا که این جمله ”مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک“ جمله ای است معروف از یکی از انقلابیون که کتابی بهمین عنوان سه دهه پیش تألیف و انتشار داد[3] ”فهرست رئوس“ بلافاصله بسراغ ساختار تشکیلاتی سازمان مجاهدین میروید که دارای دو بال است : شورایملي مقاومت و ارتش آزادیبخش . بنام به این سازمان مجاهدین که يك کاسه همه عالم را به زیر چتر فراگیر خود از نظامی و سیاسی میکشد . بهمین خاطر هم ، در برشمردن سازمان های عضو شورا اثری از نام سازمان مجاهدین نیست . چون نمیشود که آدم عضو بال سیاسی خودش هم باشد ، تناقض دارد . لذا بهتر است سازمان مجاهدین عضو شورایملي مقاومت نباشد ، اشکالی ایجاد نمیشود که ! چرا باید خودمان را بی خود به در دسر بیاندازیم اینجوری کار راحت تر جلو میروید ، در ضمن شخصیت های عضو شورا را هم همین جا بهتر است جزء سازمان های عضو جازده و قال قضیه را بکنیم . اما بشنوید از بخش مالی مجاهدین که شاهکاری است از راستگو ، بطور بسیار شیرفهم ، بخش مالی دو بخش دارد : ”بخش مالی اجتماعی ، و بخش مالی ویژه“ ، ضمن اینکه ”سربازگیری سازمان مجاهدین از کشورهای غربی“ را هم اگر میخواهید بفهمید که توسط کدام بخش انجام میشود حتماً بیاد بسپارید که توسط بخش مالی . همینطور بهتر است ”سازمان و انجمن های پوششی مجاهدین“ را هم جزء همین بخش مالی سازماندهی کنیم اینطور قشنگ تر میشود ! اما همه این سازماندهی که کمتر یافته و اکثر یافته است . تنها بيك منظور سر هم بندي می شود . بخاطر بخش چهارم کتاب : بخش مهم و دارای ”اطلاعات دست اول و جالب“ مورد علاقه آخوند و اطلاعات شکنجه گر : ”زندان های مجاهدین شامل زندان های داخل قرارگاههای سازمان و زندان های تحت حاکمیت دولت عراق“ شکنجه ، خودکشی ، محاکمات و ... همه اخبار و وقایع باب طبع ! تا لااقل وصف العیش باشد ، چه فرق میکند ، چونکه حتی ذکر شکنجه و کشتار ، حتی در نسبت دادن آن به مجاهدین هم ، آخوند و اطلاعات خونخوارش را کیفور میکند . تنها يك مشکل لاینحل همچنان مانده است آنهم مشکل زبان است که همچنان باقی است و هنوز عقول کشتار و سرکوب بر علاج آن به چاره جویی مشغول4.

[1] در روایت است که در ظهور دجال ، خر دجال آنچنان است که وقتی دو دستش در قم باشد دو پایش در

کاشان است ، پیدا کنید فاصله اسن و بوخوم را !

[2] در روایت است ایضاً که در جهنم مارهایی است که دوزخیان از شرورشان به ازدها پناهنده میشوند .

[3] مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک بقلم فدایی شهید مسعود احمد زاده در سال 1350 انتشار یافت .

[4] در روایت است که دروغگو در جهنم زبانش تا نوك شکمش میرسد! العهدة علي الراوي

+++++

http://www.iran-efshagar.com/common/details.aspx?id=1539#_ftn1